

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

امروز ثنا و سلام و ذکر و بیان مخصوص اولیاء حقّ جلّ جلاله است که شبهات اهل عالم ایشان را از سیل رحمن منع نمود عرف قمیص را یافتند و بشطر دوست شتافتند منع مانعین و سطوت ظالمین و مکر ماکرین و اعراض علما و اغماض فقها ایشان را از انوار وجه مالک اسماء منع نمود از اقداح عرفان راح فلاح را باسم مسخر اریاح نوشیدند نوشیدنی که ایشان را از انهار و جداول عالم غنی و بی نیاز نمود لعمر محبوبنا و محبوبکم و مقصودنا و مقصود من فی السموات و الأرض ایشانند آن نفوسی که در کتب قبل و بعد مذکورند تعالی الذی ایدهم و عرقهم و اظهرهم و اقامهم علی خدمة امره ایشانند کاسر اصنام اوهام و مخذل اعداء مولی الأنام یسأل الخادم ربّه ان یؤیدهم و یوقّهم و یرزقهم خیر ما عنده انه هو العزیز الوهاب

سبحانک یا منزل الأمطار و مجری الأنهار اسألك بجواهر خلقک الذین وفوا بعهدک و میثاقک بأن تؤیّد احبائک علی استقامه لا ترلها جنود الظنون و الأوهام و لا تمنعهم امرآ الأنام ای ربّ ترى ملاً البیان و تسمع ما تنطق به السنهم و تعلم اعمالهم و اعراضهم عن المقام الذی به ثبتت حجّتک فی ازل الآزال و ظهرت آیات قدرتک بالعظمة و الاجلال اسألك یا مسخر العالم و محیی الرّمم بأن تؤیّدهم علی الرجوع انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العلیم الحکیم ثم اجعل یا الهی و مقصودی عبدک الخلیل من الناصرین لأمرک و الناطقین بشائک ای ربّ ایدہ فی کلّ الأحوال انک انت العلیّ المتعال

و بعد نامه آن جناب که معطر بود بذکر و ثنای محبوب عالمیان عین را کحلی بود هویدا و قلب را وجدی بود آشکار از حقّ جلّ جلاله میطلبم آن جناب را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار است و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام اعلی نموده امام وجه عرض شد و بشرف اصغا فائز هذا ما نزل من ملکوت حکمة ربنا و ربکم و ربّ من فی الأرض و السماء قوله جلّ جلاله

هو السامع العلیم

یا خلیل اهل عالم بمثابه صبیان مشاهده میشوند نیست بر احدی که از این کلمه علیا تعجب نماید چه که کل مشغولند باموری که خود بر فنا و زوال آن شاهد و گواهند و بایادی خود از برای خود میافروزند آنچه را که از اطفائش عاجز و قاصرند اوهام کل را اخذ نموده و ظنون جمیع را از ما ینفعهم منع کرده الا من شاء الله از برای حقّ نفسی نفسی برنیارد و گامی لله برنارد بمثابه اغنامی مشاهده میشوند که راعی را گم کرده اند متفرق و متشتت در هیما غفلت و نادانی سائرند و شاعر نیستند از حقّ جلّ جلاله مسئلت نمائید قطرهئی از دریای دانائی بر عباد خود مبدول دارد و عنایت فرماید اوست بخشنده و توانا در ملاً بیان تفکر نما مع آنکه بر حزب شیعه و اعمال و ثمرات آن مطلع گشتند چنانچه بیچشم دیده اید و بگوش شنیده اید مع ذلک بهمان اوهامات مجدّد تمسک نموده اند بوهم از سلطان یقین محرومند و بغدیر از بحر اعظم ممنوع قل

الها معبودا مسجودا شهادت میدهم بوحدانیت تو و فردانیت تو و بخششهای قدیم و جدید تو تویی آن کریمی که امطار سحاب سماء رحمتت بر شریف و وضع باریده و اشراقات انوار آفتاب بخششت بر عاصی و مطیع تاییده ای رحیمی که ساذج رحمت بابت را ساجد و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف از تو سؤال مینمایم و فضل قدیمت را میطلبم و جود جدیدت را میجویم که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات ایامت محروم نسازی جمیع محتاج و فقیرند و انت الغنیّ الغالب القدر

لله الفضل و المنّة بحر بیان نه بشأنی مّوّاج که این خادم فانی از عهدۀ ذکر و یا وصف برآید معدوم را نزد حضرت موجود شأنی نه و بیانی نه با کمال عجز و انکسار باذیال رداء کرمش متشبّث که آن جناب را در جمیع احوال موفّق دارد و عبادش را از فضل ایّامش محروم نفرماید آنّه علی کلّ شیء قدیر و بالاجابة جدیر

اینکه مرقوم داشتند در بارۀ جناب آقا میرزا علی اخ جناب آقا میرزا محمّد خان علیهما بهاء الله نامه ایشان رسید و امام وجه محبوب عالمیان عرض شد یک لوح امنع اقدس بشأن آیات و یک لوح ابداع احلی بشأن پارسی از سماء عنایت و فضل نازل نوشته ارسال شد از حقّ میطلبم ایشان را فائز فرماید بلقاء آن تا از بحر بیان رحمن بیاشامند آنچه را که سبب حرکت و علّت اشتعال گردد و بر خدمت امر قیام نمایند یعنی بتبلیغ این عبد خدمت ایشان تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله تأیید میطلبد تأییدی که آثار آن در اقطار ظاهر و هویدا شود اوست بخشنده که حجبات عالم و سبحات امم او را منع ننموده و ننماید لازال ید قدرتش ظاهر و عین عنایتش مبسوط طوبی از برای نفوسی که در این مطلع ایّام خود را از اشراقات انوار آفتاب عنایت محروم نمودند انّ ربّنا الرّحمن هو المعطی الکریم و هو الجواد الکریم لا اله الا هو العلیّ العظیم

اینکه ذکر حضرات اولیا جناب آقا میرزا محمود و جناب آقا میرزا محمّد خان و جناب آقا محمّد حسن خان علیهم بهاء الله را فرمودند کل در ساحت امنع اقدس مذکورند لله الحمد بعد از عرض اسامی مخصوص هر یک از سماء فضل نازل آنچه که عرفش بدوام اسماء حسنی و صفات علیا باقی و دائم و این فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که هر یک را بمتابۀ علم بر امرش مرتفع و ظاهر و باهر فرماید اوست قاضی حوایج سائلین و اوست امل آملین و مقصود قاصدین البهّاء و الذّکر و الثّناء علی جنابک و علی الذّین ما منعهم الاوهام عن الله ربّنا و ربکم و ربّ من فی السموات و الاضین و الحمد لله ربّ العالمین